

پارسی اداره فی سند

گرچه هر دو ت مورخ و دانشمند یونانی در بخش های پژوهشی کارهایش با کمال دقت بین آداب و رسوم مادها و پارس ها تفاوت قایل می شود ولی در فلسوفی کم به افسانه ها و داستانها می پردازد شیوه های این را با یکدیگر مخلوط میکند و درهم می آمیزد دوستان ایران متعجب یونانی تنوگتیس و سیمونید نیز پارس ها را اهل ماد خوانند در حماسه ملی ایران شاهکار فردوسی یعنی شاهنامه ایشیو و یگو بنام افراسیاب شناخته می شود و کوروش همان کینخرو است. به طبق داستان شاهنامه پس از آنکه به دستور افراسیاب سیاوش در توران کشته میشود همسر سیاوش فرنگین و دختر افراسیاب پسری می زاید که کینخرو نامیده می شود به علت پیش گوئی های که در مورد کینخرو شده بود افراسیاب قصد میکند تا کودک را از بین ببرد ولی سرانجام در این کار منصرف می گردد به این شرط که پیران کودک را به چوپانان بسپرد و در نزد آنان رشد کند و کودک از نژاد و فاندان خود آگاه نگردد پس از آنکه کودک هفت تولیه پیران مساکه می گردد به نزد افراسیاب برده می شود کینخرو که پیشتر از قصد افراسیاب برای کشتنش آگاه گردیده بود به تولیه پیران در پیشگاه افراسیاب دیوانگی پیشه کرد و از مرگ نجات یافت پس از این ماجرا کیوی به توران رفت و کینخرو را به همراه مادرش را به ایران آورد

سرانجام باید تحت نشتن کینخرو در ایران سپاهی فراهم کرد و به خون خواهی پدرش به توران یورش می برد و پس جنگ های بسیاری افراسیاب

را شکست داد و اورا کشت. ایشوویگو لاوسال
 550 BC از بین جهان فرو بست. جانشین وی
 کوروش بزرگ بود. هر دو ت میگویند - "ایشوویگو
 نسبت به مادی ها با رحم بود" ولی می دانند
 همان جا روشن می شود که منظور وی
 بزرگان مادی یا "خستین کسان بین مادی ها
 یعنی بازماندگان شاهان و رؤسای دهکده
 ها بوده است. هر دو ت ایشوویگو را
 به عنوان فردی که مخان را طرف مشورت
 قرار می داده "تولیف میکنند.